



## بررسی رابطه میان مدیریت سود واقعی و محافظه‌کاری غیر شرطی حسابداری

محسن خوش‌طینت<sup>۱</sup>

مریم قره‌داغی<sup>۲</sup>

مهسا کاوسی<sup>۳</sup>

### چکیده

به دلیل اهمیت رقم سود خالص، تحقیقات زیادی در ارتباط با سود و مباحث مربوط به آن صورت گرفته است. سود معیار مهمی برای سرمایه‌گذاران در واحدهای تجاری است که از این حیث می‌تواند توسط مدیران واحدهای تجاری مورد دستکاری قرار گیرد. محافظه‌کاری نیز یک ابزار نظارتی و حاکمیت شرکتی برای سهامداران محسوب شده که موجب کاهش و محدود شدن مدیریت سود می‌شود. از طرفی حسابرس نیز می‌تواند تضاد منافع میان مدیران و سهامداران را کاهش دهد. به این صورت که حسابرسی منظم و پیوسته شرکت‌ها امکان دستکاری اطلاعات مالی را کاهش می‌دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان مدیریت سود واقعی و محافظه‌کاری غیر شرطی حسابداری است. برای مدیریت سود از معیار جریان‌ات نقدی غیرعادی از مدل روپیچادری (۲۰۰۶) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۰ است که با توجه به محدودیت‌های تعیین شده، نمونه پژوهش شامل ۱۰۱۸ سال-شرکت می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان محافظه‌کاری غیر شرطی حسابداری و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌ات نقدی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد و با وارد شدن ریسک حسابرسی محافظه‌کاری غیر شرطی اثر منفی بر مدیریت سود دارد. **واژه‌های کلیدی:** مدیریت سود واقعی، محافظه‌کاری غیر شرطی حسابداری، ریسک حسابرسی

<sup>۱</sup> دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) [khoshtinatnik@yahoo.com](mailto:khoshtinatnik@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، تهران، ایران. [gharehdaghi@ibi.ac.ir](mailto:gharehdaghi@ibi.ac.ir)

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. [mahsakavousi@gmail.com](mailto:mahsakavousi@gmail.com)

## مقدمه

امروزه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان توجه ویژه‌ای به رقم سود دارند. آن‌ها معمولاً سودی که بدون نوسان و یا نوسان کمتر باشد را ترجیح می‌دهند. در واقع سودی مقبول این افراد است که ثبات بیشتری داشته باشد. سود شرکت‌ها به‌عنوان یک معیار مهم برای سرمایه‌گذاری افراد در شرکت‌ها محسوب می‌شود بنابراین مدیران برای رسیدن به اهداف مورد نظرشان رقم سود را دستکاری و تحت کنترل خود در می‌آورند. (ابراهیمی و احمدی مقدم، ۱۳۹۵)

یکی از انواع مدیریت سود، مدیریت سود واقعی است که حاصل دستکاری فعالیت‌های واقعی و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری است. مدیریت سود واقعی به زمانبندی و ساختار فرصت‌طلبانه معاملات عملیاتی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری مدیریت واحد تجاری برای تأثیر گذاشتن بر سود گزارش شده در جهتی خاص اطلاق می‌شود که شرکت را در آینده متحمل هزینه‌ها و پیامدهای اقتصادی می‌کند. مدیران شرکت‌ها با اتخاذ برخی تصمیم‌های عملیاتی و به‌عبارتی دستکاری فعالیت‌های واقعی به مدیریت سود واقعی روی می‌آورند تا به اهداف مدنظر خویش برسند. مدیران اجرایی برای برآورده کردن اهداف سود مانند سود سال گذشته و سود پیش‌بینی تحلیل‌گران به دستکاری فعالیت‌های واقعی مایل هستند. در حالی که این دستکاری‌ها ممکن است ارزش شرکت را به‌صورت بالقوه کاهش دهد. زیرا دستکاری فعالیت‌های واقعی در دوره جاری برای افزایش سود ممکن است بر جریان‌های نقدی آینده تأثیر منفی داشته باشد. (منصورفر، حیدری و کولانی، ۱۳۹۶)

باسو<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) محافظه‌کاری حسابداری را این‌گونه تعریف کرده است: «گرایش حسابداری به الزام داشتن یک درجه قابل تأییدتر جهت شناسایی اخبار خوب همانند سودها در مقابل شناسایی اخبار بد همانند زیان‌ها است.»

محافظه‌کاری به‌معنای عدم تقارن در الزامات قابل تأیید بودن سودها در مقابل زیان‌ها می‌باشد. براساس این تعریف می‌توان محافظه‌کاری را از لحاظ شدت و ضعف به این صورت تفسیر نمود: هر چه شناسایی سودها در مقابل زیان‌ها نیاز به درجه قابلیت اتکا و تأییدپذیری بیشتری داشته باشد، محافظه‌کاری بیشتر می‌شود.

محافظه‌کاری در حسابداری به دو دسته تقسیم می‌شود: محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی.

<sup>1</sup> Basu

نمونه‌ای از محافظه‌کاری غیرشرطی، به هزینه بردن دارایی‌های نامشهود واحد تجاری مانند هزینه‌های تحقیق و توسعه، استفاده از روش‌های تسریعی برای مستهلک کردن اموال و ماشین آلات و تجهیزات و همچنین استفاده از روش بهای تمام شده تاریخی برای پروژه‌هایی که ارزش فعلی آن‌ها مثبت می‌باشد. (بیور و رایان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)

محافظه‌کاری شرطی یا پس رویدادی به معنای شناسایی به موقع اخبار بد نسبت به اخبار خوب در ارتباط با سود است که نخستین بار توسط باسو مطرح گردید. نمونه‌ای از محافظه‌کاری شرطی می‌توان حذف سرفعلی در نتیجه آزمون کاهش ارزش و اعمال قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش را نام برد. (مشکی میاوقی و محمدی، ۱۳۹۸)

سهامداران با سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی و همچنین راهبری ناقص بر چگونگی اداره کارها، زمینه مساعدی را برای سوءاستفاده مدیران فراهم می‌کند. یکی از روش‌های جلوگیری از بروز چنین رخدادی، نظارت دقیق بر هیأت‌مدیره و حسابرسی منظم شرکت‌ها می‌باشد که تحت عنوان سیستم حاکمیت شرکتی شناخته می‌شود. سیستم حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از فرآیندها و ساختارهایی است که استفاده از سازوکارهای درون سازمانی نظیر کنترل‌های داخلی اداری و حسابداری، کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذینفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است. حسابرسی توسط مؤسسات بزرگ موجب افزایش کیفیت خدمات حسابرسی و قابلیت اتکای گزارش‌های مالی برای استفاده‌کنندگان می‌شود و همچنین تجدید ارائه اقلام تعهدی کمتری که همان مدیریت سود است، دارند. (حساس یگانه، صدیقی و حسن‌زاده، ۱۳۹۶)

شرکت‌هایی که با بحران مواجه هستند و تداوم فعالیت آن‌ها همراه با ابهام و شبهات است، برای پنهان کردن وضعیت خود ممکن است به مدیریت سود روی بیاورند. در این شرایط حسابرس برای کاهش ریسک دعاوی حقوقی و همچنین از دست ندادن حسن شهرت خود رویکرد محافظه‌کارانه را در پیش خواهند گرفت. زمانی که ابهام در تداوم فعالیت شرکت وجود دارد به دلیل بالا بودن ریسک حسابرس، محافظه‌کاری افزایش می‌یابد و احتمال صدور گزارش مشروط بیشتر از زمانی است که تنها مدیریت سود رخ می‌دهد. (کارسون<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲)

<sup>1</sup> Beaver & Ryan

<sup>2</sup> Carson

با توجه به مطالب فوق، سؤالات زیر مطرح می‌شود که آیا میان مدیریت سود واقعی و محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ آیا شرکت‌هایی که کیفیت حسابرسی بالایی دارند، مدیریت سود واقعی حسابداری در آن‌ها صورت می‌گیرد؟

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

می‌توان مدیریت سود و انگیزه آن‌را به‌طور کلی به این صورت دانست که مدیران اغلب به‌منظور گمراه کردن سهام‌داران نسبت به عملکرد اقتصادی واقعی شرکت، اقدام به مدیریت سود می‌کنند. این اقدام از طریق دستکاری در اعداد و ارقام حسابداری و یا فعالیت‌های واقعی انجام می‌شود که دقت و صحت سود را کاهش و ریسک و عدم اطمینان افراد برون سازمانی را افزایش می‌دهد و احتمالاً منجر به عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری می‌شود. مدیریت سود نه تنها عملکرد شرکت را پنهان می‌کند بلکه روند واقعی رشد سود و درآمد شرکت را که در پیش‌بینی رشد آتی شرکت مفید است را پنهان می‌کند. (مکنیکولز و استابن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸)

از طرفی مدیران واحدهای تجاری رویه‌های حسابداری را تعیین و اتخاذ می‌کنند. بنابراین می‌توان مدیریت سود را انتخاب رویه‌های حسابداری توسط مدیر دانست که مدیر این اقدام و انتخاب را به جهت اهداف شخصی از جمله دریافت پاداش بیشتر، کاهش نسبت بدهی، کاهش مالیات، کاهش هزینه‌های سیاسی و سایر موارد، انجام می‌دهد. (اسکات<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹)

گزارش‌های حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی است و محافظه‌کاری نیز یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی می‌باشد که تأثیر مستقیمی بر اطلاعات حسابداری دارد. محافظه‌کاری یکی از اصول محدودکننده حسابداری می‌باشد که ممکن است با محدود کردن مدیران، مانع رفتارهای فرصت‌طلبانه آن‌ها و دستکاری سود گردد. محافظه‌کاری غیرشرطی که مستقل از اخبار خوب و بد است، بر جنبه‌هایی از فرآیند حسابداری تأکید دارد که منجر به شناخت اولیه خالص دارایی‌ها به مبلغی کمتر از ارزش بازار آن‌ها در طول عمرشان می‌شود. این نوع از محافظه‌کاری از به کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را به‌گونه‌ای مستقل از اخبار اقتصادی کاهش می‌دهد. به این نوع از محافظه‌کاری، محافظه‌کاری ترازنامه‌ای و یا محافظه‌کاری پیش‌رویدادی و یا محافظه‌کاری مستقل از اخبار نیز می‌گویند. محافظه‌کاری غیرشرطی تمایل مدیریت برای سرمایه‌گذاری را

<sup>1</sup> McNichols & Stubben

<sup>2</sup> Scott

افزایش می‌دهد. محافظه‌کاری غیرشرطی نوسانات سود را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود تا مدیریت در پروژه‌های بیشتری سرمایه‌گذاری کرده و آستانه ریسک‌پذیری آن‌ها افزایش یابد. (صالحی، عباس‌زاده و احمدی، ۱۳۹۸)

از آنجا که حسابرس می‌تواند تضاد منافع میان مدیران و سهامداران را کاهش دهند، بنابراین در عمل حسابرسی، حسابرس می‌بایست خطر تحریف با اهمیت را شناسایی و برآورد کند. بنابراین هرچه میزان ریسک حسابرسی بیشتر باشد به تبع آن میزان رسیدگی و حجم رسیدگی نیز افزایش خواهد یافت در نتیجه میزان رسیدگی بیشتر، حق‌الزحمه بیشتری را نیز برآورد خواهد کرد. یکی از عوامل تاثیرگذار بر حق‌الزحمه حسابرسی، محافظه‌کاری می‌باشد. به این صورت که صاحبکاران حسابرسی محافظه‌کارانه را ترجیح می‌دهند. زیرا حسابرسی که توأم با محافظه‌کاری باشد، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد. (آویشک، گلدن و دونات<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰)

در این تحقیق رابطه میان محافظه‌کاری غیرشرطی و مدیریت سود واقعی را بررسی می‌شود. تعداد پژوهش‌های اندکی به بررسی رابطه میان این دو متغیر پرداخته‌اند لذا این پژوهش خلاء ایجاد شده در این خصوص را بر طرف می‌کند.

لی<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری و مدیریت سود واقعی» با در نظر گرفتن شرکت‌های چینی، طی دوره‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ به بررسی مدیریت سود واقعی و محافظه‌کاری غیرشرطی پرداخت. در این پژوهش با استفاده از مدل‌های رگرسیون، پراکندگی‌های مدیریت سود واقعی توسط جریان‌های نقدی غیرعادی، هزینه‌های عملیاتی غیرعادی و هزینه‌های اداری و عمومی غیرعادی به‌دست می‌آید. پس از کنترل ریسک حسابرسی، نتایج نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مستقیمی وجود دارد و با وارد شدن ریسک حسابرسی بالا، مدیریت سود واقعی و محافظه‌کاری غیرشرطی رابطه معکوس دارند.

یکی از عواملی که موجب دستکاری سود و اطلاعات مالی می‌شود، جدایی مالکیت از مدیریت است که موجب ایجاد تضادهای نمایندگی می‌شود و مدیران را به سمت فرصت‌طلبی و رسیدن به اهداف شخصی خود به وجود می‌آورد. بنابراین مدیریت می‌تواند از طریق دستکاری سود به اهداف دلخواه خود برسد. به عقیده تسپوریدو و اسپاتیس<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) با توجه به نقش حسابرسی در اعتبار

<sup>1</sup> Avishek & Golden & Thevenot

<sup>2</sup> Li

<sup>3</sup> Tsipouridou & Spathis

بخشی صورت‌های مالی، از آن‌ها انتظار می‌رود که رویه‌های حسابداری شبه برانگیز و تحریفات با اهمیت صورت گرفته در مدیریت سود را کشف و گزارش کند.

الزوبی<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان «کیفیت حسابرسی، تأمین مالی بدهی و مدیریت سود» به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی، بدهی و مدیریت سود پرداخته است. وی برای این پژوهش ۷۲ نمونه از شرکت‌های صنعتی کشور اردن را طی دوره‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۶ در نظر گرفت. وی برای محاسبه مدیریت سود از ارقام تعهدی اختیاری و مدل تعدیل شده جونز استفاده نموده است. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی (صلاحیت حسابرس، اندازه، تخصص و استقلال) و بدهی کم باعث کاهش توانایی مدیریت سود و بدهی‌های بالا منجر به افزایش ریسک مدیریت سود خواهد شد.

تسیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان «اظهارنظر حسابرسی و مدیریت سود: شواهدی از یونان»، با در نظر گرفتن شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۵ به بررسی ارتباط بین اظهارنظر حسابرسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد که ارتباط معناداری میان مدیریت سود و اظهارنظر حسابرسی وجود ندارد. همچنین مشخصه‌های مالی شرکت صاحبکار همانند سودآوری و اندازه شرکت در تصمیم حسابرس پیرامون تعدیل گزارش خود در ارتباط با ابهام در تداوم فعالیت موثرتر از مدیریت سود است. یا به عبارتی مدیریت سود نقشی را در این ارتباط ایفا نمی‌کند.

سان و لن<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های کمیته حسابرسی مستقل و مدیریت سود واقعی» به بررسی تاثیر کمیته‌های حسابرسی مستقل و مدیریت سود واقعی و روابط میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی پرداختند. آن‌ها با در نظر گرفتن شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیویورک طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۷ دریافتند که اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی غیرعادی، هزینه‌های اختیاری غیرعادی و هزینه‌های تولید غیرعادی ارتباط معنادار دارند. در واقع ویژگی‌های کمیته‌های حسابرسی در محدود کردن سود مؤثر هستند و یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که با این موضوع که اشتغال اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌ها، اثر بخشی نظارتشان را مختل می‌کند، سازگار است.

لارا، اسما و پنالوا<sup>۳</sup> (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان «محافظه‌کاری و محدودیت‌های مدیریت سود» با استفاده از یک نمونه بزرگ از داده‌های شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۱ به

<sup>1</sup> Alzoubi

<sup>2</sup> Sun & Lan

<sup>3</sup> Lara & Osma & Penalva

بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که محافظه‌کاری بیشتر باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و افزایش مدیریت سود واقعی می‌شود. بنابراین در شرکت‌هایی که محافظه‌کارتر هستند، امکان انجام مدیریت سود واقعی برای رسیدن به اهداف سود، بیشتر می‌شود.

صالحی، عباس‌زاده و احمدی (۱۳۹۸)، طی پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثرات محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر رفتار سرمایه‌گذاری و بازدهی آتی شرکت‌ها» به بررسی رابطه دو بعد محافظه‌کاری بر رفتار سرمایه‌گذاری و بازدهی آتی شرکت‌ها پرداختند. بدین منظور، آن‌ها نمونه‌ای شامل ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۴ رادر نظر گرفتند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد که محافظه‌کاری شرطی منجر به کاهش تمایلات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌شود در حالی که محافظه‌کاری غیرشرطی، شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری بیشتر ترغیب می‌کند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین محافظه‌کاری شرطی (غیرشرطی) و بازدهی آتی شرکت‌ها ارتباط منفی (مثبت) معنادار وجود دارد. بنابراین افزایش محافظه‌کاری شرطی (غیرشرطی)، بازدهی آتی شرکت‌ها را کاهش (افزایش) می‌دهد. به طور کلی انواع محافظه‌کاری می‌تواند بر رفتار و میزان سرمایه‌گذاری و بازدهی شرکت‌ها اثر بگذارد.

حجازی و فرهادی (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر مدیریت سود بر ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها»، با در نظر گرفتن ۹۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۳ به پژوهش پرداختند. به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. علت عدم وجود رابطه معنادار بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری، ممکن است حساسیت کمتر مدیران نسبت به دستکاری فروش اختیاری و ارقام تعهدی اختیاری باشد. چرا که صورت‌های مالی دستکاری شده به مدیران تصمیم‌گیرنده، علامت گمراه‌کننده‌ای مخابره می‌کند و منجر به اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری نادرست می‌شود. همچنین، این موضوع می‌تواند نشانه آگاهی سرمایه‌گذاران از مدیریت سود در شرکت‌ها باشد.

عباس‌زاده، قناد و غلامی‌مقدم (۱۳۹۶)، طی پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثر میانجی مدیریت سود بر رابطه میان هزینه‌های تحقیق و توسعه و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی» به بررسی ارتباط بین هزینه‌های تحقیق و توسعه و بهای خدمات حسابرسی در شرکت‌های بورسی و همچنین اثر مدیریت سود را بر ارتباط بین هزینه‌های تحقیق و توسعه و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی پرداختند.

آن‌ها با در نظر گرفتن ۴۸ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۳ به این پژوهش پرداختند. نتایج تحقیقات آن‌ها بیانگر این است که بین هزینه‌های تحقیق و توسعه و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی ارتباط مثبت معناداری وجود دارد و همچنین مدیریت سود موجب تقویت و افزایش این ارتباط می‌شود. همچنین نتایج تحقیقات آن‌ها موجب تقویت این فرضیه که مدیران، به هزینه سرمایه‌ای بردن مخارج تحقیق و توسعه را در راستای انجام مدیریت سود به کار می‌برند، شد.

صالحی (۱۳۹۵)، طی پژوهشی تحت عنوان «انواع محافظه‌کاری و رابطه آن‌ها با کیفیت سود» به بررسی تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود حسابداری پرداخت. وی نمونه‌ای شامل ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۰ انتخاب نمود. وی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش خود از مدل توسعه یافته با سوءاستفاده نمود که در آن برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی از معیار عدم تقارن و برای سنجش کیفیت سود حسابداری و محافظه‌کاری غیرشرطی از نسبت جریان نقد عملیاتی به سود خالص و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری استفاده نمود. نتایج تحقیقات وی بیانگر این است که محافظه‌کاری شرطی بر کیفیت سود تأثیری ندارد و بین محافظه‌کاری غیرشرطی و کیفیت سود ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. اعتمادی، دستگیر، مؤمنی و فرج‌زاده دهکردی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با در نظر گرفتن ۳۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۷۷، بیان می‌کنند که مدیریت سود، صرف‌نظر از جهت آن باعث افزایش محافظه‌کاری می‌شود و همچنین شرکت‌هایی که اقدام به مدیریت سود کاهشی می‌کنند، سود محافظه‌کارانه‌تری را گزارش کرده که نشان‌دهنده بیش محافظه‌کاری است. همچنین شرکت‌هایی که از طریق اقلام تعهدی مثبت، به مدیریت سود افزایشی مبادرت می‌ورزند، محافظه‌کاری کمتری را در گزارشگری خود اعمال می‌کنند.

### الگوهای پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل نظری زیر برگرفته از تحقیق لی (۲۰۱۸) استفاده می‌شود:  
فرضیه ۱: محافظه‌کاری غیر شرطی حسابداری با مدیریت سود واقعی رابطه معنادار دارد.

(۱)

$$REM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Conser\_NOA_{i,t} + \alpha_2 Size_{i,t} + \alpha_3 ROA_{i,t} + \alpha_4 Leverage_{i,t} + \alpha_5 Firm\_Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه ۲: ریسک حسابداری بالا بر رابطه بین محافظه کاری غیرشرطی حسابداری با مدیریت سود واقعی، اثر منفی دارد.

(۲)

$$REM_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Conser\_NOA_{i,t} + \alpha_2 Audit\_Risk_{i,t} + \alpha_3 Conser\_NOA_{i,t} \times Audit\_Risk_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 ROA_{i,t} + \alpha_6 Leverage_{i,t} + \alpha_7 Firm\_Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

## متغیرهای پژوهش

## نگاره شماره ۱: متغیرهای تحقیق

نحوه محاسبه	نوع متغیر	نام متغیر	نام لاتین	علامت اختصاری
$\frac{CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta Sales_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$	وابسته	مدیریت سود واقعی	Real Earning Management	REM
(تفاوت اقلام تعهدی غیر عملیاتی و اقلام تعهدی عملیاتی) - کل دارایی‌ها پایان سال قبل شرکت	مستقل	محافظه کاری غیر شرطی	Unconditional Conservatism	CONSER_NOA
نوع اظهار نظر حسابرسان در سال قبل گزارش مقبول کد ۱ گزارش مشروط با ۱ بند شرط کد ۲ گزارش مشروط با ۲ بند شرط کد ۳ گزارش مشروط با ۳ بند شرط کد ۴ گزارش مشروط با ۴ بند شرط و بیشتر کد ۵ گزارش عدم اظهار نظر کد ۶	مستقل	ریسک حسابداری	Audit risk	Audit_risk
ln (کل دارایی‌های شرکت در پایان سال جاری)	کنترلی	اندازه شرکت	SIZE	SIZE
$\frac{\text{سود خالص قبل از مالیات پایان سال جاری}}{\text{کل دارایی‌های پایان سال جاری}}$	کنترلی	بازده دارایی‌ها	Return of Asset	ROA
$\frac{\text{کل بدهی‌های پایان سال جاری}}{\text{کل دارایی‌های پایان سال جاری}}$	کنترلی	اهرم مالی	Leverage	Leverage
(تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است) ln	کنترلی	سن شرکت	Age of The Firm	Firm_Age

(لی، ۲۰۱۸)

همچنین مدیریت سود براساس معیار مدیریت سود مبتنی بر جریان وجوه نقد غیرعادی ( $REM\_CFO_{i,t}$ ) سنجیده می‌شود. که در آن

$$CFO_{i,t}: \text{جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت در سال } t$$

$$A_{i,t-1}: \text{ارزش کل دارایی های شرکت در سال } t-1$$

$$Sales_{i,t}: \text{درآمد حاصل از فروش محصولات و خدمات شرکت در سال } t$$

$$\Delta Sales_{i,t}: \text{تغییر درآمد حاصل از فروش کالا و خدمات در سال } t \text{ نسبت به سال } t-1$$

$$\varepsilon_{i,t}: \text{جزء خطای مدل که به عنوان معیار مدیریت سود واقعی در نظر گرفته می‌شود.}$$

### روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ نوع، توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی بین متغیرها و در حوزه مطالعات پس‌رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. جامعه آماری شامل برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۷ می‌باشد که با غربالگری پس از اعمال محدودیت‌های زیر تعیین می‌گردد:

- ۱- شرکت‌های برگزیده مربوط به صنایع «بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی»، «سایر واسطه‌گری‌های مالی»، «سرمایه‌گذاری‌های مالی»، «شرکت‌های چند رشته‌ای صنعتی»، «بیمه» به علت تفاوت در ساختار مالی آن‌ها، نباشد.
- ۲- شرکت‌های مورد بررسی به علت بررسی متغیر مدیریت سود می‌بایست سودده باشند.
- ۳- در طی دوره پژوهش، سال مالی آن‌ها تغییر نکرده باشد.
- ۴- صورت‌های مالی و داده‌های مورد انتظار، در دسترس باشد.

تعداد شرکت‌ها در طی سال‌های تحقیق ۲۲۳ شرکت که در مجموع تعداد مشاهدات ۱۸۲۵ (سال - شرکت) است که پس از غربالگری انجام شده تعداد مشاهدات به ۱۰۱۸ (سال - شرکت) کاهش یافته است.

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، آمار توصیفی داده‌های بررسی شده، در جدول زیر ارائه شده است.

آمار توصیفی مربوط به بازده دارایی‌ها نشان می‌دهد که متوسط سود خالص قبل از مالیات به دارایی‌ها ۱۴/۴۳ درصد است. که بیشترین مقدار آن ۷۰/۵۲ درصد می‌باشد و کمترین آن عددی بسیار کوچک نزدیک به صفر است. همچنین مقدار انحراف معیار ۱۲/۷۹ درصد است که بیانگر فاصله داده‌ها از مقدار میانگین است و با توجه به نزدیک بودن آن به مقدار میانگین، نشان‌دهنده مقدار پراکندگی اندک داده‌های این متغیر است. متوسط متغیر اهرم مالی که نسبت کل بدهی شرکت به کل دارایی آن است، ۵۹/۵۹ درصد است و همچنین بیشترین مقدار آن ۱۳۶/۵۱ درصد و کمترین آن ۹/۲۴ است همچنین انحراف معیار ۱۸/۵۱ درصد بیانگر فاصله داده‌های اهرم مالی از میانگین آن می‌باشد که مقدار آن نشان‌دهنده فاصله نسبتاً زیادی به میانگین و پراکندگی نسبتاً زیاد داده‌های این متغیر است. متوسط متغیر محافظه کاری غیرشرطی ۱۰/۳۳ درصد است. همچنین مقدار انحراف معیار برابر با ۰/۱۰۵۳ است که فاصله اندکی با میانگین دارد و نشان‌دهنده پراکندگی اندک داده‌های این متغیر است. متوسط متغیر سن شرکت ۲/۷۳ سال و بیشترین مقدار ۳/۹۳۱۸ سال و کمترین مقدار برابر صفر است. همچنین مقدار انحراف معیار برابر با ۰/۶۳۴۵ است و از آنجا که فاصله نسبتاً زیادی با میانگین دارد، بنابراین پراکندگی داده‌های آن نسبتاً زیاد می‌باشد.

متوسط اندازه شرکت که لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است ۱۴/۲۷ و بیشترین مقدار آن ۱۹/۲۴۹۲ و کمترین آن با اندازه شرکت ۱۰/۱۶۶۵ است. عدد انحراف معیار اندازه شرکت برابر با ۱/۴۷۳۳ است و با توجه به فاصله نسبتاً زیاد آن با میانگین، پراکندگی داده‌های این متغیر نسبتاً زیاد است. متوسط مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌ات نقدی که باقیمانده مدل جونز می‌باشد، ۰/۰۹ درصد است که کمترین مقدار آن ۰/۶۶۳۷- و بیشترین مقدار ۰/۹۳۲۰ است. مقدار انحراف معیار آن برابر با ۰/۱۶۴۵ است و با توجه به فاصله کمی که با میانگین دارد، بنابراین پراکندگی داده‌های آن نیز کم است. شرکت‌هایی که برای اولین بار وارد بورس شده‌اند به علت لگاریتم طبیعی عدد ۱ دارای سن شرکت صفر هستند.

برای محاسبه ریسک حسابداری که اعداد ۱ تا ۶ را شامل است، ۵۵/۵۰ درصد داده‌ها مربوط به گزارش مقبول و بدون ریسک است و ۴۴/۵۰ درصد مابقی مربوط به گزارشات مشروط و عدم اظهار نظر می‌باشد.

## نگاره شماره ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نوع	تعداد	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	توزیع	کمی	میان
بازده دارایی‌ها	ROA	۱۰۱۸	۰/۱۴۴	۰/۷۰۵	۰	۰/۱۲۷	۱/۲۱۲	۴/۲۷۱	۰/۱۱۴
اهرم مالی	LEVERAGE	۱۰۱۸	۰/۵۹۵	۱/۳۶۵	۰/۰۹۲	۰/۱۸۵	-۰/۰۳۸	۳/۲۸۴	۰/۶۰۸
محافظه‌کاری غیر شرطی	CONSER_NOA	۱۰۱۸	۰/۱۰۳	۰/۹۴۴	۰	۰/۱۰۵	۳/۰۵۰	۱۶/۹۵۵	۰/۰۷۵
سن شرکت	FIRM_AGE	۱۰۱۸	۲/۷۳۴	۳/۹۳۱	۰	۰/۶۳۴	-۱/۶۸۹	۷/۶۳۷	۲/۸۳۳
اندازه شرکت	SIZE	۱۰۱۸	۱۴/۲۷۵	۱۹/۲۴۹	۱۰/۱۶۶	۱/۴۷۳	۰/۶۵۴	۳/۹۷۱	۱۴/۱۰۲
مدیریت سود ناشی از جریان نقدی	REM_CFO	۱۰۱۸	۰	۰/۹۳۲	-۱/۶۶۳	۰/۱۶۴	۰/۹۱۴	۶/۶۸۲	-۰/۰۱۸

(یافته‌های پژوهش)

## نگاره شماره ۳: آمار توصیفی ریسک حسابرسی

ردیف	نوع اظهار نظر حسابرس در سال قبل	کد اختصاصی ریسک حسابرسی	تعداد داده‌ها	درصد تشکیل دهنده داده‌ها
۱	گزارش مقبول - بدون ریسک	۱	۵۶۵	۵۵/۵۰٪
۲	گزارش مشروط - ۱ بند	۲	۱۴۹	۱۴/۶۴٪
۳	گزارش مشروط - ۲ بند	۳	۱۲۱	۱۱/۸۹٪
۴	گزارش مشروط - ۳ بند	۴	۷۱	۶/۹۷٪
۵	گزارش مشروط - ۴ بند و بیشتر	۵	۱۰۶	۱۰/۴۱٪
۶	گزارش عدم اظهار نظر	۶	۶	۰/۵۹٪

(یافته‌های پژوهش)

## نتایج آزمون فرضیه‌ها

ضریب همبستگی را زمانی به کار می‌برند که می‌خواهند مرتبط بودن خطی یک متغیر با متغیر دیگر را بسنجند. در واقع ضریب همبستگی، درجه پیوند متغیرها را دو به دو مشخص می‌کند. در این تحقیق برای بررسی رابطه خطی میان دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌کنند که به شرح جدول ذیل می‌باشد:

نگاره شماره ۴: ضریب همبستگی متغیرهای تحقیق

Corolation Probability	REM_CFO	CONSER_NOA	ROA	SIZE	LEVERAGE	FIRM_AGE	AUDIT_RISK	AUDIT_RISK*C ONSER_NOA
REM_CFO	۱/۰۰۰۰							
CONSER_NOA	۰/۰۴۹۸	۱/۰۰۰۰						
	۰/۱۱۲۳							
ROA	۰/۶۱۱۹	-۰/۰۴۸۹	۱/۰۰۰۰					
	*۰/۰۰۰۰	۰/۱۱۸۶						
SIZE	۰/۰۶۴۸	۰/۰۱۲۳	۰/۰۰۹۲	۱/۰۰۰۰				
	*۰/۰۳۸۸	۰/۶۹۴۴	۰/۷۶۸۵					
LEVERAGE	-۰/۳۴۱۳	۰/۲۳۳۴	-۰/۵۳۴۳	۰/۱۱۵۶	۱/۰۰۰۰			
	*۰/۰۰۰۰	*۰/۰۰۰۰	*۰/۰۰۰۰	*۰/۰۰۰۲				
FIRM_AGE	-۰/۱۳۳۷	-۰/۰۳۲۳	-۰/۱۳۵۵	-۰/۲۷۵۱	۰/۰۳۹۰	۱/۰۰۰۰		
	*۰/۰۰۰۰	۰/۳۰۳۴	*۰/۰۰۰۰	*۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۳۶			
AUDIT_RISK	-۰/۱۶۱۷	۰/۰۵۳۱	-۰/۲۳۴۳	۰/۰۸۰۶	۰/۱۴۱۱	۰/۰۵۹۶	۱/۰۰۰۰	
	*۰/۰۰۰۰	۰/۰۹۰۳	*۰/۰۰۰۰	*۰/۰۱۰۱	*۰/۰۰۰۰	۰/۰۵۷۲		
AUDIT_RISK* CONSER_NOA	-۰/۰۷۵۱	۰/۷۶۰۷	-۰/۱۵۳۱	۰/۰۱۰۹	۰/۲۳۷۹	۰/۰۲۲۸	۰/۴۸۰۷	۱/۰۰۰۰
	*۰/۰۱۶۶	*۰/۰۰۰۰	*۰/۰۰۰۰	۰/۷۲۸۸	*۰/۰۰۰۰	۰/۴۶۷۷	۱/۰۰۰۰	

(یافته‌های پژوهش)

برای مشاهده و بررسی درباره کارآمدی داده‌ها به شیوه پانلی یا تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه  $H_0$  بیانگر استفاده از داده‌های تلفیقی است و در صورت آن از داده‌های پانلی استفاده می‌شود.

## نگاره شماره ۵: نتیجه آزمون F لیمر

REM_CFO			REM_CFO		
مقدار احتمال معناداری	درجه آزادی	آماره F	مقدار احتمال معناداری	درجه آزادی	آماره F
۰/۰۰۰۰	(۲۲۶،۷۸۶)	۱/۷۶	۰/۰۰۰۰	(۲۲۶،۷۸۴)	۱/۷۷
مدل با داده‌های پانلی			مدل با داده‌های پانلی		
نتیجه آزمون F لیمر فرضیه ۱			نتیجه آزمون F لیمر فرضیه ۲		

(یافته‌های پژوهش)

پس از انجام آزمون F لیمر مبنی بر شناسایی داده‌ها به شیوه پانلی یا تلفیقی، حال می‌بایست مشخص گردد که برای برآورد مناسب کدام یک از روش‌های اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی می‌بایست استفاده شود. بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌گردد. نتایج به شرح جدول ذیل می‌باشد:

## نگاره شماره ۶: نتیجه آزمون هاسمن

REM_CFO			REM_CFO		
مقدار احتمال معناداری	درجه آزادی	آماره $\chi^2$	مقدار احتمال معناداری	درجه آزادی	آماره $\chi^2$
۰/۰۴۰۹	۵	۱۱/۵۹	۰/۰۴۹۳	۷	۱۴/۱۱
اثرات ثابت			اثرات ثابت		
نتیجه آزمون هاسمن فرضیه ۱			نتیجه آزمون هاسمن فرضیه ۲		

(یافته‌های پژوهش)

برای بررسی ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل آزمون بروش-پاگان استفاده شده است. طبق نتایج آزمون سطح معناداری فرضیه‌های ۱ و ۲، ۰/۰۰ می‌باشد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، از آنجا که سطح معناداری فرضیه‌های مذکور کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه  $H_0$  که مبنی بر همسان بودن باقیمانده‌های مدل می‌باشد، رد می‌شود و می‌توان گفت مدل‌های پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها دارای ناهمسانی واریانس است و مناسب انجام آزمون فرضیه‌ها نیست. بنابراین به منظور برطرف کردن این مشکل و دستیابی به نتایج قابل اتکا لازم است که مدل را به نحوی برآورد کرد

که مشکل ناهمسانی واریانس برطرف گردد. یکی از روش‌های برطرف کردن واریانس ناهمسانی، برآورد مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته<sup>۱</sup> می‌باشد.

نگاره شماره ۷: نتایج آزمون بروش-پاگان

فرضیه ۱		فرضیه ۲	
مقدار احتمال معناداری	آماره $\chi^2$	مقدار احتمال معناداری	آماره $\chi^2$
۰/۰۰۰۰	$(۳/۷)e^{34}$	۰/۰۰۰۰	$(۴/۵)e^{34}$

(یافته‌های پژوهش)

همچنین برای بررسی عدم خودهمبستگی میان باقیمانده‌های مدل از آزمون ولدریج استفاده شده است. طبق نتایج آزمون مشاهده می‌گردد که سطح معناداری فرضیه ۱، ۰/۰۱۶۷ و همچنین سطح معناداری فرضیه ۲، ۰/۰۱۴۹ می‌باشد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، از آنجا که سطح معناداری فرضیه‌های فوق کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه  $H_0$  که بیانگر عدم خودهمبستگی میان باقیمانده‌های مدل است، رد می‌گردد.

نگاره شماره ۸: همبستگی باقیمانده‌های مدل

فرضیه ۱		فرضیه ۲	
مقدار احتمال معناداری	آماره F	مقدار احتمال معناداری	آماره F
۰/۰۱۶۷	۵/۸۷۹	۰/۰۱۴۹	۶/۰۸۴

(یافته‌های پژوهش)

### آزمون فرضیه‌های تحقیق

#### نتایج آزمون و بررسی فرضیه اول تحقیق

فرضیه ۱: محافظه کاری غیرشرطی حسابداری با مدیریت سود واقعی رابطه معنادار دارد.

<sup>1</sup> Generalized Least Square

## نگاره شماره ۹: نتایج آزمون فرضیه ۱

REM <sub>i,t</sub> = α <sub>0</sub> + α <sub>1</sub> Conser_NOA <sub>i,t</sub> + α <sub>2</sub> Size <sub>i,t</sub> + α <sub>3</sub> ROA <sub>i,t</sub> + α <sub>4</sub> Leverage <sub>i,t</sub> + α <sub>5</sub> Firm_Age <sub>i,t</sub> + ε <sub>i,t</sub>				
Depended variable	REM_CFO			
Period Include	۱۳۹۰-۱۳۹۷			
Total Observation	۱۰۱۸			
R <sup>2</sup> -square	۰/۳۱۳۵			
F آماره	۶۴۳/۹۶			
Prob F	۰/۰۰۰۰			
نام متغیر	ضریب β	مقدار t	سطح معناداری	ضرایب خطا استاندارد
CONSER_NOA	۰/۱۴۰۲۲	۳/۵۴	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹۶۲
SIZE	۰/۰۰۶۱	۲/۱۵	۰/۰۳۲	۰/۰۰۲۸۷
ROA	۰/۷۴۶۹	۱۹/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۳۷۸۷
LEVERAGE	-۰/۰۵۰۷	-۱/۸۹	۰/۰۵۹	۰/۰۲۶۸۸
FIRM_AGE	-۰/۰۰۸۹	-۱/۳۴	۰/۱۷۹	۰/۰۰۶۶۸
Cons	-۰/۱۵۴۸	-۳/۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۵۱۳۸

(یافته‌های پژوهش)

همانطور که مشاهده می‌شود احتمال F عدد ۰/۰۰ است و از آنجا که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین فرضیه H<sub>0</sub> که مبنی بر معنادار نبودن مدل می‌باشد، رد می‌شود و مدل رگرسیونی معنادار است. در سطح اطمینان ۹۵٪، مقدار احتمال محافظه‌کاری غیرشرطی برای متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و این نشان‌دهنده رابطه معنادار میان محافظه‌کاری غیرشرطی و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی می‌باشد. با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب بتا برای شاخص محافظه‌کاری غیرشرطی جهت این رابطه مثبت است.

همچنین نتایج حاصل برای متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که مقدار احتمال مربوط به متغیر کنترلی اندازه شرکت کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و این نشان‌دهنده رابطه معنادار میان اندازه شرکت و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی می‌باشد. همچنین مثبت بودن ضریب بتا بیانگر این است که این ارتباط از نوع مستقیم و معنادار است. در واقع هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد مدیریت سود واقعی صورت گرفته در واحد تجاری نیز بیشتر می‌باشد.

مقدار احتمال مربوط به متغیر کنترلی بازده دارایی‌ها برای متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین میان بازده دارایی‌ها و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی رابطه معنادار وجود دارد و مثبت بودن ضریب بتا بیانگر مثبت بودن ارتباط میان آن دو

می‌باشد. یعنی هر چه میزان بازده دارایی‌ها افزایش یابد، مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی نیز افزایش خواهد یافت.

مقدار احتمال مربوط به متغیر کنترلی اهرم مالی در سطح اطمینان ۹۵٪ بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین میان متغیر اهرم مالی و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی ارتباط معناداری وجود ندارد. مقدار احتمال مربوط به متغیر کنترلی لگاریتم سن شرکت برای متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین میان لگاریتم سن شرکت و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی ارتباط معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه ۱، که بیانگر ارتباط معنادار میان محافظه‌کاری غیرشرطی و مدیریت سود واقعی است، رد نمی‌شود.

همچنین ضریب تعیین، ۰/۳۱۳۵ می‌باشد که بیانگر نسبت تغییرات توضیح داده شده به تغییرات کل است. یعنی ۳۱/۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی به تغییرات متغیرهای مستقل و کنترلی بستگی دارد.

### نتایج آزمون و بررسی فرضیه دوم تحقیق

**فرضیه ۲:** ریسک حسابداری بالا بر رابطه بین محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری با مدیریت سود واقعی، اثر منفی دارد.

## نگاره شماره ۱۰: نتایج فرضیه ۲

$REM_{i,t} = a_0 + a_1 Conser\_NOA_{i,t} + a_2 Audit\_Risk_{i,t} + a_3 Conser\_NOA_{i,t} \times Audit\_Risk_{i,t} + a_4 Size_{i,t} + a_5 ROA_{i,t} + a_6 Leverage_{i,t} + a_7 Firm\_Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
Depended variable	REM_CFO			
Period Include	۱۳۹۰-۱۳۹۷			
Total Observation	۱۰۱۸			
R <sup>2</sup> -square	۰/۳۱۰۵			
F آماره	۶۵۶/۴۹			
Prob F	۰/۰۰۰۰			
نام متغیر	ضریب $\beta$	مقدار t	سطح معناداری	ضرایب خطا استاندارد
CONSER_NOA	۰/۲۹۴۰	۴/۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۷۱۲۶
AUDIT_RISK	۰/۰۰۳۶	۰/۹۳	۰/۳۵۴	۰/۰۰۳۹۶
CONSER_NOA*AUDIT_RISK	-۰/۰۶۳۷	-۲/۵۶	۰/۰۱۰	۰/۰۲۴۸۵
SIZE	۰/۰۰۶۰	۲/۰۹	۰/۰۳۷	۰/۰۰۲۸۸
ROA	۰/۷۳۷۱	۱۹/۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸۴۶
LEVERAGE	-۰/۰۵۰۸	-۱/۹۰	۰/۰۵۸	۰/۰۲۶۷۸
FIRM_AGE	-۰/۰۰۸۲	-۱/۲۴	۰/۲۱۷	۰/۰۰۶۶۷
Cons	-۰/۱۶۲۵	-۳/۱۷	۰/۰۰۲	۰/۰۵۱۳۷

(یافته‌های پژوهش)

همانطور که مشاهده می‌شود، احتمال F عدد ۰/۰۰ است و از آنجا که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین فرضیه H<sub>0</sub> که مبنی بر معنادار نبودن مدل می‌باشد، رد می‌شود و مدل رگرسیونی معنادار است. در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار احتمال محافظه‌کاری غیرشرطی برای متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌ات نقدی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که همان فرضیه ۱ می‌باشد. بنابراین میان محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری و مدیریت سود واقعی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

مقدار احتمال ریسک حسابرسی برای متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌ات بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین میان ریسک حسابرسی و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌ات نقدی ارتباط معناداری وجود ندارد.

مقدار احتمال حاصلضرب محافظه‌کاری غیرشرطی در ریسک حسابرسی برای متغیر مدیریت سود ناشی از جریان‌ات نقدی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین میان حاصلضرب محافظه‌کاری غیرشرطی در ریسک حسابرسی و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌ات نقدی ارتباط معنادار وجود دارد که با توجه

به منفی بودن ضریب بتا این ارتباط از نوع منفی می‌باشد. در واقع فرضیه ۲ که بیانگر این است که ریسک حسابداری بالا بر رابطه بین محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری با مدیریت سود واقعی اثر منفی دارد، رد نمی‌شود. در واقع ریسک حسابداری با محافظه‌کاری و مدیریت سود ارتباطی ندارد اما زمانی که به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر وارد می‌شود میان رابطه بین محافظه‌کاری و مدیریت سود اثر منفی می‌گذارد.

مقدار احتمال متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها برای متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین میان اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها با مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی ارتباط معنادار وجود دارد و از آنجا که ضرایب بتا این متغیرها مثبت می‌باشد، جهت این رابطه مستقیم است.

مقدار احتمال متغیر کنترلی اهرم مالی برای متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، میان اهرم مالی و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی ارتباط معناداری وجود ندارد.

مقدار احتمال متغیر کنترلی لگاریتم سن شرکت برای متغیر وابسته مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪ میان متغیر لگاریتم سن شرکت و مدیریت سود واقعی ناشی از جریان‌های نقدی ارتباط معنادار وجود ندارد. در واقع عمر شرکت‌ها بر مدیریت سود واقعی تأثیری ندارد.

همچنین ضریب تعیین، ۰/۳۱۰۵ می‌باشد که بیانگر نسبت تغییرات توضیح داده شده به تغییرات کل است. یعنی ۳۱/۰۵٪ از تغییرات متغیر وابسته به تغییرات متغیرهای مستقل و کنترلی بستگی دارد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این تحقیق مدیریت سود واقعی به دستکاری سود بیشتر از واقع و دستکاری سود کمتر از واقع، طبقه بندی نشده است. برخی از شرکت‌ها برای نشان دادن عملکرد خوب‌شان به بیش‌نمایی سود روی می‌آورند. در حالی که برخی دیگر به دلایلی همچون مسائل مالیاتی به کم‌نمایی سود می‌پردازند. از آنجا که اهداف مدیریت سود کاملاً پیچیده است، در نتیجه پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آینده به بررسی تفاوت ویژگی‌های جهت‌های مختلف مدیریت سود پردازند.

محافظه‌کاری یکی از میثاق‌های تعدیل‌کننده حاکم بر حسابداری و گزارشگری مالی است. به این معنا که در بعضی شرایط، محافظه‌کاری ایجاب می‌کند که روبه‌ای انتخاب و اعمال شود که

دارای کم‌ترین اثر مساعد بر دارایی‌ها، درآمدها، سود و در نتیجه حقوق صاحبان سهام شود. (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۴)

واتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، محافظه‌کاری را یکی از جنبه‌های کیفیت سود می‌داند. بدین معنا که هرچه میزان محافظه‌کاری بیشتر باشد، کیفیت سود نیز بالاتر است. وی محافظه‌کاری حسابداری را یکی از ویژگی‌های مهم برای بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری می‌داند. به عقیده‌ی او استانداردهای غیر محافظه‌کارانه حسابداری باعث می‌شود تا مدیران واحدهای تجاری ارقام حسابداری مانند سود را به نفع خود بیش‌نمایی کنند تا پاداش بیشتری دریافت کنند. (قلمبر، ۱۳۹۷)

طبق فرضیه اول میان مدیریت سود واقعی و محافظه‌کاری غیرشرطی ارتباط معنادار وجود دارد. یعنی هرچه میزان محافظه‌کاری غیرشرطی افزایش می‌یابد، مدیریت سود واقعی نیز افزایش خواهد یافت. در فرضیه دوم با وارد شدن ریسک حسابرسی به تحقیق ارتباط میان مدیریت سود واقعی و محافظه‌کاری غیرشرطی از نوع معکوس می‌شود، بنابراین پیشنهاد می‌گردد هنگام بررسی صورت‌های مالی به اظهارنظر گزارشگر در سال قبل توجه گردد زیرا هرچه گزارش از اظهارنظر مقبول فاصله گیرد، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. از آنجا که مؤسسه حسابرسی هنگام پذیرش حسابرسی شرکت‌ها مسأله حق‌الزحمه را مدنظر قرار می‌دهند، با نگاه به گزارش حسابرسی سال گذشته میزان ریسک حسابرسی را برآورد می‌کنند. به این صورت که هر چه گزارش حسابرسی از گزارش مقبول فاصله گیرد، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد و به طبع آن حق‌الزحمه نیز افزایش خواهد یافت. (لی، ۲۰۱۸)

در خارج از ایران پژوهش‌های بسیاری در زمینه مدیریت سود انجام گرفته است و در این پژوهش‌ها از داده‌های بسیاری استفاده شده است. به دلیل آن‌که در خارج از ایران پایگاه‌های اطلاعاتی تقریباً دقیق و بزرگی وجود دارد به دنبال آن، پژوهش‌گران از نمونه‌های بسیاری در پژوهش‌های خود استفاده می‌کنند. اما از آنجا که در ایران سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران تقریباً تنها منبع برای استخراج داده‌های پژوهش می‌باشد که دارای عمق نسبتاً کمی است، لذا تعمیم نتایج پژوهش‌های صورت گرفته می‌بایست با احتیاط به تمامی واحدهای اقتصادی نسبت داده شود. همچنین در این پژوهش داده‌های شرکت‌های صنایع مختلف گردآوری شده و همگن‌سازی و تفکیک صنایع صورت نگرفته است.

<sup>1</sup> Watz

از جمله پیشنهادهاتی که برای پژوهش‌های آتی مطرح می‌گردد می‌توان موضوع مدیریت سود واقعی و محافظه‌کاری غیرشرطی را در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و نهادهای پولی و بیمه و شرکت‌های چند رشته‌ای صنعتی به طور مجزا انجام داد.

همچنین می‌توان موضوع کیفیت سود را نیز وارد پژوهش نمود و تأثیر مدیریت سود واقعی بر کیفیت سود را نیز بررسی کرد. علاوه بر آن می‌توان عوامل محیطی و اجتماعی واحدهای تجاری را وارد تحقیق و تأثیر آن‌ها را بر مدیریت سود واقعی بررسی نمود.

همچنین می‌توان این پژوهش را با همگن‌سازی و تفکیک صنایع مختلف اجرا و نتایج را برای هر صنعت به‌طور مجزا بررسی نمود.

پژوهشگران می‌توانند عوامل اقتصادی مانند تورم، تولید ناخالص داخلی را به تحقیق اضافه نموده و اثر آن را بر مدیریت سود واحدهای تجاری بررسی نمایند.

این پژوهش با در نظر گرفتن شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است لذا پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی شرکت‌های حاضر در فرابورس نیز در نظر گرفته شود.

## منابع و مأخذ

- 1- Abbaszadeh, M.R., Ghannad, M., & Gholami Moghadam, F. (2017). Investigating the Mediating Effect of Profit Management on the Relationship between Research and Development Costs and Auditing Services Fees. *Journal of Accounting Knowledge*, Vol.8, No.2, 29, pp. 104-85.
- 2- Accounting Standards Development Committee, 2005.
- 3- Alzoubi, E. S. S. (2018). Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 30, 69-84.
- 4- Beaver, W. H., & Ryan, S. G. (2005). Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling. *Review of accounting studies*, 10(2-3), 269-309.
- 5- Bhandari, A., Golden, J., & Thevenot, M. (2020). CEO political ideologies and auditor-client contracting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 106755.
- 6- Carson, E., Fargher, N. L., Geiger, M. A., Lennox, C. S., Raghunandan, K., & Willekens, M. (2013). Audit reporting for going-concern uncertainty: A research synthesis. *AUDITING: A Journal of Practice*, 32(Supplement 1), 353-384.
- 7- Ebrahimi, S.k., & Ahmadi Moghadam, M. (2015). Investigating the Relationship between Restrictions on Financing with Conditional and Unconditional Conservatism in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Management Strategy*. No. 11, pp. 90-73.
- 8- Etemadi, H., Dastgir, M., Momeni, M., & Dehkordi, H. F. (2012). Discretionary accruals behavior of Iranian distressed firms. *Middle Eastern Finance and Economics*, (16), 44.

- 9- Ghalambar, M.H. (2018). Investigating the effect of conditional and unconditional accounting conservatism on the risk of future stock price falls (Case study of banks and insurance companies). *Accounting Review*, 5 (18), 65-82.
- 10- Hassas, Y. Y., Sedighi, R., & Hasanzadeh, F. (2017). The relationship between audit quality and audit committee with earning management and cash flow management.
- 11- Hejazi, R., & Farhadi, H. (2017). Study of the effect of earnings management on investment inefficiency in companies. *Quarterly Journal of New Research in Accounting and Auditing*, Vol. 1, No.1, pp. 92-116.
- 12- Lara, J. M. G., Osma, B. G., & Penalva, F. (2012). *Accounting conservatism and the limits to earnings management*.
- 13- Iatridis, G., & Dimitras, A. I. (2013). Financial crisis and accounting quality: evidence from five European countries. *Advances in Accounting*, 29(1), 154-160.
- 14- Li, H. (2018). Unconditional accounting conservatism and real earnings management. *International Journal of Financial Research*, 9(2), 203-215.
- 15- Iatridis, G. E. (2011). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. *International Review of Financial Analysis*, 20(2), 88-102.
- 16- Mansourfar, G., Heydari, M., & Kulani, T. (2017). Assessing the Impact of Real Profit Management and Management Motivations on Cost Stickiness. *Quarterly Journal of Asset Management and Financing*.
- 17- McNichols, M. F., & Stubben, S. R. (2008). Does earnings management affect firms' investment decisions? *The accounting review*, 83(6), 1571-1603.
- 18- Moshki Miyaghi, M., & Mohammadi, R. (2017). Investigating the Effect of Conditional Conservatism on Profit Quality Based on Value Relationship and Profit Response Ratio. *Financial Accounting Research*.

- 19- Nobakht, M., & Baradaran Hassanzadeh, R. (2017). Impact of Free Cash Flow on Real and Artificial Earnings Management. *Accounting and Auditing Review*, 24(3), 421-440.
- 20- Salehi, A. (2016). Types of Conservatism and Their Relationship with Profit Quality. *Journal of Accounting Reviews*, Vol.4, No.13, pp. 114-95
- 21- Salehi, M., Abbaszadeh, M. R., & Ahmadi, A. (2019). Investigating the Effects of Conditional and Unconditional Conservatism on firms' Investment Behavior and Future Return.
- 22- Harrington, S. E. (2009). The financial crisis, systemic risk, and the future of insurance regulation. *Journal of Risk and Insurance*, 76(4), 785-819.
- 23- Sun, J., Lan, G., & Liu, G. (2014). Independent audit committee characteristics and real earnings management. *Managerial Auditing Journal*.
- 24- Tsipouridou, M., & Spathis, C. (2014, March). Audit opinion and earnings management: Evidence from Greece. In *Accounting Forum* (Vol. 38, No. 1, pp. 38-54). No longer published by Elsevier.